

درس ستایش:

واژه‌های املائی: مونس، هست کن، اساس، قصه،
عنایت الهی، ظلمت، دست‌آویز، نظامی، خواجه
عبدالله انصاری، الهی

در فارسی کلمه‌هایی ارزش املائی دارند که
عربی رایج در فارسی باشند و در آن‌ها یکی از شش
گروه حروف املائی به کار رفته باشند.

گروه‌های املائی عبارتند از: (ز، ذ، ض، ظ)؛ (س،
ث، ص)؛ (ه، ح)؛ (ق، غ)؛ (ت، ط)؛ (ع، ء، ئ، ا)
حروفی مانند «ب»، «ک» و «د» که تنها یک
صورت املائی دارند اهمیت املائی ندارند.

اگر در واژه‌ای یکی از حروف املائی به صورت
حرف هم‌گروه آن نوشته شود غلط املائی محسوب
می‌شود و چنانچه واژه جدید دارای ارزش معنایی
هم باشد اهمیت املائی آن واژه بیش‌تر خواهد بود

مانند سور، ثور، صور

هر چه تعداد صورت‌های املائی یک واژه بیش‌تر باشد اهمیت املائی آن واژه نیز بیش‌تر خواهد بود.

تشدید، همزه، سرکج، سرگاف و مد نیز ارزش املائی دارند.

گاهی تشدید ارزش معنایی می‌یابد: بنا (ساختمان)، بنا (سازنده)

از آنجا که در فارسی - به جز در موارد استثنا - واژه‌ها همان گونه نوشته می‌شوند که تلفظ می‌شوند، واژه‌هایی چون حب، ضد، عام، خاص، حق و حد به شرطی تشدید خواهند داشت که مشدد خوانده شوند: ضد، حق

بعضی واژه‌های فارسی نیز ارزش املائی دارند به ویژه واژه‌هایی که دارای یکی از حروف شش‌گانه باشند.

www.my-dars.ir

«الفی» که در میان بعضی کلمات نوشته می‌شود و

خوانده نمی‌شود از جهت املائی مهم است مانند: ۲

خواهر، خواستن

برای تشخیص املائی یک واژه به سه شیوه عمل

می‌کنیم: الف) دیدن و عادت چشم (از طریق

تمرین و خواندن و نوشتن حاصل می‌شود)،

ب) هم‌خانواده‌ها، ج) معنای واژه

هم‌خانواده‌ها واژه‌هایی هستند که دارای بن فعل

(در واژه‌های فارسی) یا سه حرف اصلی (در

واژه‌های عربی) مشترکی باشند و ارتباط معنایی نیز

دارند.

هم‌خانواده‌ها:

مونس: انس، انیس نظامی: نظم، منظوم، ناظم

اساس: مؤسس، تأسیس ظلمت: ظلم، ظلمات

نور: انوار، منور، تنویر

توفیق: وفق، موفق، وفاق

عبد: عابد، معبود، تعبّد

انصاری: نصر، ناصر، منصور

هم آوا: واژه‌هایی که تلفظ یکسان دارند اما معنا و کاربرد و املاي متفاوتی دارند.

هم آوا:

اثاث: اسباب خانه

اساس: پایه

درس اول

واژه‌های املايي: برخاست، می‌خواهم، ذره ذره، غلتید، انشا، باغی، ابد، غنچه، نسیم، فارغ، رهسپار، افق، پیغمبر، گلدسته‌ها، زائر، حرم، تفریح، غوغا، ایام، طفولیت، متعبد، مصحف، طایفه‌ای، خفته، دوگانه‌ای، بگزارد، غفلت، پوستین، خلق، سعدی،
رحمه الله عليه

گروه آموزشی عصر

هم خانواده‌ها:

www.my-dars.ir

غلتید: غلت، غلتان، می‌غلند

فارغ: فرغ، فراغت

افق: آفاق

زائر: زیارت

خلق: مخلوق، خلاق

مصحف: صحف، صحیفه

تفریح: فرح حکایت: حاکی

رحمت: رحم، رحیم، مرحوم

غفلت: غفل، غافل، مغفول

متعبّد: عبد، عابد، معبود

خدمت: خدمه، خادم، مخدوم

هم آوا:

خواست (بلند شد) خواست (طلب کرد)

سفر (کوچ، رفتن) صفر (ماه قمری)

قریب (نزدیک) غریب (نا آشنا)

فارغ (آسوده) فارق (جدا کننده)

بگزارد (به جا آورد) بگذارد (قرار دهد)

www.my-dars.ir

متشابه:

علیه (بر او) إلیه (به سوی او)

نکته‌های املائی:

یکی از اهداف املا تشخیص شکل صحیح حروف و درست‌نویسی است.

در هنگام نوشتن املا از به کار بردن واژه‌های «هم‌آوا» به جای یکدیگر پرهیز شود.

درس دوم

واژه‌های املائی:

معرفت، طبیعت، غرق، فهمیدن، می‌لرزید، زلال،
یقین، عظمت، غرقه، اعجاز، خلقت، نوازش، لطیف،
مذاب، کشتزار، مزرعه، سبزه‌ها، دعا، غرور، آمین،
پرنشاط، صحرا، ساقه‌ها، رفیق، نوزاد، احترام، وداع،
صفا، خالق، تلخیص، معصوم، نقطه، سعدی، فصل،
خط، زمزمه، نغمه، نثر، جلوه،

www.my-dars.ir

هم آوا:

فرمان گزار (به جا آورنده فرمان)

فرمان گذار (تعیین کننده و برپادارنده فرمان)

نثر (نوشته) نصر (پیروزی)

هم خانواده‌ها:

کشف: کاشف، مکشوف

عظمت: عظیم، معظم، تعظیم

طبیعت: طبع، طبایع، مطبوع

اعجاز: معجزه مذاب: ذوب

سعدی: مسعود، سعادت

غرق: غریق، مغروق، غرقه

خلقت: خلق، خالق، مخلوق

فصل: فاصله، منفصل خط: خطوط

www.my-dars.ir

فهمیدن: مفهوم، تفهیم

نوازش: نواختن، می نوازد

می لرزید: لرزش، می لرزد

عالم: عوالم

نثر: منثور

نقطه: نقاط

ظرف: ظروف

رفیق: رفیق، رفاقت

حس: احساس، محسوس

احترام: محترم، حرمت

کمیل: کامل، تکمیل

صفا: مصفا، تصفیه

طاعت: مطیع، اطاعت

معصوم: عصمت

مزرعه: زرع، زارع، زراعت

لطیف: لطف، لطایف، لطیفه

آفرینش: آفریننده، آفریدگار

شریعتی: شرع، شارع، مشروع

معرفت: عرف، عرفان، عارف

ببفزاید: افزا، افزایش، می‌افزاید

در املا رعایت شکل کامل حروف و از جمله

دندانه‌ها و نقطه‌ها ضرورت دارد.

در املا از خط تحریری شکسته استفاده نشود.

ببهرتر است هنگام نوشتن املا با توجه به آهنگ،

مفهوم و پیام جمله نشانه‌های نگارشی رعایت شود.

درس سوم

واژه‌های املائی:

نسل، استعداد، تحلیل، امتیاز، عنوان، مؤمن، اختلاف،
واقعیت، عکس، وجه، مطبوعات، رسانه‌ها، انحراف،
اشتباه، قابل، اوایل، وضع، استحكاماتی، جامعه،
افتخار، معلم، منطقه، مقتدر، قدر، نشاط، نظام،
بحمدالله، معظم، بیانات، متعال، متخصص، راز، زنهار،
حاصل، بستان، نهفت

هم‌آواها و متشابه‌ها:

سلاح (وسیله‌ی جنگ) صلاح (درست، مصلحت)

مایع (شکلی از جسم) مایه (سرمایه)

قدر (قوی) قدر (فریب)

www.my-dars.ir

نکته املائی:

در نوشتن املا به نحوه‌ی تلفظ و مطابقت آن با

شکل نوشتاری دقت شود.

پس از پایان املا، متن را یک بار دیگر مرور کنید.

هم خانواده‌ها:

استعداد: مستعد وجه: وجوه، موجه، توجیه

فکر: متفکر، تفکر تحلیل: حل

وضع: موضع، وضعیت مطبوعات: طبع، مطبوعه

استحکامات: محکم، تحکم

امتیاز: ممتاز، متمایز انحراف: منحرف

رسانه‌ها: رساندن، می‌رساند

مختلف: اختلاف جامعه: جوامع، مجموع

مؤمن: ایمان افتخار: مفتخر، فخر

واقعیت: وقایع اشتباه: مشتبه، تشبیه

معلم: علم، عالم، معلوم

عکس: معکوس قابل: قبول، مقبول

متخصص: تخصص اوایل: اوّل، اولی

منطقه: نقطه، نقاط دین: ادیان

مقتدر: قدرت، قادر، اقتدار، قدیر

نظام: نظم، منظم متعال: عالی، تعالی

جلال: مجلل، تجلیل حاصل: حصول، محصل

مثنوی: ثنا، اثنا محمد: حمد، محمود

جلال: مجلل، تجلیل حفظ: حافظ، محفوظ

برای انسان صفت معظم استفاده می شود (استاد معظم) و برای غیر انسان صفت معظم (کوه معظم دماوند).

درس چهارم

واژه‌های املائی:

تبسم، نظر، نسیم، مثل، راز، محبت، شوق، حسرت،

انتقال، فراز، استقلال، شبیه، رؤیا، کم‌حوصلگی،

لحظه‌ها، لذت، صفا، رابطه، شخصیت، علایق،

مطالب، رمز، اندرز، تأمل، زار، طفل، حق‌هق، تفکر،

بصیرت، مهارت، شکوه، بغل، عمه، صبح

قلقلک، محکم، احوال، اطراف، صخره، زورہ اش،
خیز، قد، علف، قروہ، قنداقہ، خیش، مویہ، غلتاند،
جیع، خرناسه، زوزہ، قوہ، لحظہ ای، حلقہ

هم آواها:

خیش (شخم زدن) خویش (خود)
تأمل (اندیشه، درنگ) تعمّل (کار کردن)

هم خانواده‌ها:

تبسم: بسیم نظر: ناظر، منظور

مثل: امثال، مثال انتقال: نقل، منتقل

محبت: حیب، حب شوق: اشتیاق، مشوق

حسرت: تحسّر استقلال: مستقل

شبیہ: شباهت، تشبیہ لحظه: ملاحظہ، لحاظ

لذت: لذیذ، لذایذ رابطه: ربط، مربوط

شخصیت: شخص، مشخص رمز: رموز

علايق: علاقه، تعلق مطالب: طلب، مطلوب

تأملاً: امل، آمال تفکر: فکر، متفکر

مهارت: ماهر
اطراف: طرف

بصیرت: بصر، بصیر

تصاویر: مصوّر، صورت

جاری: جریان، مجری، اجرا

نظر: ناظر، منظور

صبح: صباح، صبح

احوال: حال، تحوّل

قوّه: قوّت، مقوّی

سرعت: سریع، تسریع

طفل: اطفال، طفیل

نکات املائی:

کلمه‌هایی که آخر آن‌ها «ه غیر ملفوظ» باشد وقتی

«ان» یا «ی» بگیرند، «ه» تبدیل به «گ» می‌شود:

آزاده ← آزادگی، آزادگان

یکی از راه‌های تقویت املا پرورش مهارت خوب

گوش دادن است. گروه آموزشی عصر

کتاب درس فارسی می‌تواند یکی از منابع شناخت

www.my-dars.ir

املائی واژگان باشد.

حلال، زیست، سرو، قلب، اذیت، واقعاً، نصف، عقل،
 فوراً، اخلاق، شلوغ، رضایت، محله، قوم، حتماً
 تقصیر، زحمت، دفعه، محله، انتخاب، شرط، کثیف،

هم خانواده‌ها:

قلب: قلوب، متقلب رضایت: مرتضی، راضی

کثیف: کثافت قرآن: قاری

اذیت: موذی قوم: اقوام

عجیب: عجایب، عجب

تو حید: وحید، واحد نصف: انصاف، منصف

تقصیر: قصور، مقصر تکرار: مکرر، کرّار

معلوم: علم، عالم

زحمت، مزاحم، مزاحمت

عطوفت: عاطفه

نصر: ناصر، منصور

عقل: عاقل، معقول

انتخاب: منتخب

طلوع: مطلع، طلعت

اخلاق: خلق، تخلق

شرط: شروط، شرایط

متشابه و هم آواها:

حلال (شرعی، مجاز)

هلال (شکلی از ماه)

خرد (کوچک)

خورد (بلعید)

حیات (زندگی)

حیاط (صحن خانه)

سحر (جادو)

سحر (صبحگاه)

نکات املائی:

سای درس

در نوشتن املا دقت و سرعت موجب می شود تا متن به دور از خطا باشد.

شناخت شکل درست واژه‌ی هم آوا به معنا و کاربرد آن در جمله وابسته است.

واژه‌های هم آوا از مباحث دشوار املائی است.

همزه پایانی واژه‌ها در حالت سکون حذف می‌شود: املاء ← املا

همزه کلمه‌ای که همزه پایانی دارد اگر صفت یا مضاف‌الیه بگیرد تبدیل به «ی» می‌شود: املا ی فارسی به کلمه‌هایی که «ه غیرملفوظ» دارند وقتی کلمه‌ای اضافه شود «ی کوچک» گذاشت (برنامه کودک) و هم «ی» بزرگ اضافه می‌کنیم (برنامه کودک)؛ که شبیه همزه است.

به کار بردن اعراب (اَ) در فارسی ضرورت ندارد مگر اینکه نبودن آن باعث تلفظ غلط شود (سحر و سحر)

در فارسی هیچ‌گاه دو صدا (مصوت) در کنار هم نمی‌آیند در این صورت میان آنها یکی از واج‌های میانجی (گ، ی، ک، ج، واو و همزه) را می‌آوریم.

آزاده + ان ← آزادگان

آشنا + ان ← آشنایان نیا + ان ← نیاکان

سبزی + ات ← سبزیجات

آهو + ی ← آهوئی برنامه + ی ← برنامه‌ای

درس ششم:

واژه‌های املائی:

شوق، جرئت، وحشت، عجز، برزن، توش، حدیث،
محکم، سرپنجه، لحظه، هجوم، فتنه، سعی، اعتصامی،
بایزید، بسطامی، عبادت، درخواست، بخسب،
خواهش، هزار، اندر، اولیا، مستجاب، بستان‌العارفین،
حکایت، نعره، نغز، نمط، ورطه، هزینه، هول بودن

مای درس

هم خانواده‌ها:

عجز: عاجز وحشت: توخّش، وحشی

حدیث: محدّث عبادت: عابد، معبود

مستجاب: جواب، مستجیب

عارفین: عرفان، معرفت

هجوم: هجمه، تهاجم حکایت: حاکی، حکایات

اعتصام: عصمت، معتصم

متشابه:

هزار (عدد) هزار (بلبل)

هم آواها:

بحر (دریا) بھر (برای)

نکات املائی:

واژه مخفف شده به همان صورت که تلفظ می شود

باید نوشته شود: خوردن : خوردند

بعضی از کلمه ها دو املائی هستند مثل جرئت و

جرات، هیئت و هیأت

همزه آغازین همیشه به صورت «آ» و «ا» است.

همزه پایانی را حذف می کنیم (املاء ← املا) و

اگر وابسته بگیرند حرف «ی» می گیرد (املائی

فارسی)

اگر صدای قبل از همزه ضمّه باشد همزه به

صورت «ؤ» می آید: لؤلؤ

درس هفتم

واژه‌های املائی:

مجموعه‌ای، می‌گذرند، صرف، تلف، قرن، آزرده،
حقیقی، فرصت، اثنا، سفر، حیرت، تجاوز، نظر،
حدّا کثر، الکی، تقسیم، دقایق، دائماً، اضطراب، حرام،
مصاحبت، تفریحی، مصرف، اعجاب، ساحل، به
خصوص، عبرت، تأمل، غصّه، نهج البلاغه، اقبال،
عبّاس، اصفهان، قالی، عین، امتحان، عالی قاپو، عازم،
حاضر، بغل، اتاق، مرتّب، اخلاق، طاقت، بالاخره،
کاغذ، تقدیم، ذوق، بیتوته، تعمیر، لبریز، لطف‌الله،
علیک، قراضه، حوصله، دیزی، غلات، عظیم، هیکل،
عیب، علف، مریض، فرصت، تصدیق، مانع، عالی

www.my-dars.ir

هم‌خانواده‌ها:

موفق: توفیق

مانع: موانع: ممنوع

تصدیق: صدق، صداقت

عالی: تعالی، متعالی

مجموعه: جمع، جامع

اثنا: ثانی، مثنی، مثنوی

مصاحبت: صحبت

صرف: مصرف، مصارف

تفریح: فرح

سفر: مسافرت، مسافر

تقسیم: قسمت، قاسم

تلف: اتلاف

حیرت: حیران، متحیر

دقایق: دقیقه

مصرف: صرف

صاحب: تصاحب

تجاوز: متجاوز

اضطراب: مضطرب

اعجاب: تعجب، عجب

نظر: ناظر، منظر

اکثر: کثرت، کثیر

حرام: محرم، حرمت

اقبال: تقبل، قبول

ساحل: سواحل

عبّاس: عبوس

گروه آموزشی عصر

خصوص: مخصوص، خاصه

عازم: عزم، عزیمت

مرتب: ترتیب

مریض: مرض، امراض

عیب: معیوب

اخلاق: خلق، تخلق

تعمیر: عمران

هم آواها:

عالی (بلند)

آلی (نوعی شیمی)

سفر (کوچ)

صفر (ماه قمری)

عظیم (بزرگ)

عزیم (روانه)

نکات املائی:

هنگام نوشتن فعل‌های ماضی سوم شخص جمع مراقب باشیم که آن‌ها را به همین شکل بنویسیم. واژه‌های مشهوری مانند عیسی، موسی، و مصطفی را با وجود تفاوت با شکل تلفظی آن‌ها، همین گونه می‌نویسیم.

درس هشتم

واژه‌های املائی:

گروه آموزشی عصر
نصیحت، اشاره، تقی، امام، باسمه تعالی، محبت آمیز،
روح الله، قرائت، محتاج، راضی، احترام، سعی،
سعادت، ترقی، علامه، صید، بیزاری، تنفر، گشت و
گذار، تعجب، معصومه، حرم، حضور، اخلاص،

عطا، کسالت، زیارت، عطش، نصیب، فضا، حجره،
مطالعه، ضریح،

﴿ نکات املائی: ﴾

هنگام شنیدن نشانه‌های اختصاری در املا شکل کامل
آن‌ها نوشته می‌شود.

﴿ علائم اختصاری: ﴾

هـ: هجری ق: قمری ش: شمسی م: میلادی

ق.م: قبل از میلاد ر.ه: رحمت الله علیه

ع: علیه السلام ص: صلوات الله علیه

﴿ در نوشتن املائی دو کلمه «گذاردن» و «گزاردن»
نباید اشتباه کرد. ﴾

﴿ هم خانواده‌ها: ﴾

نصیحت: نصایح، ناصح تعالی: متعالی، عالی

قرائت: قاری، قرآن مفید: فایده، فواید

www.my-dars.ir

محتاج: حاجت، احتیاج راضی: رضایت، مرتضی

احترام: حرمت، محترم سلامت: سالم

سعادت: سعید، مسعود علّامه: علم، معلّم

صید: صیاد تنفر: نفرت، نفور

تعجب: عجب، عجیب معصومه: عصمت

حرم: حریم، حرمت حضور: حاضر، محضر

اخلاص: خالص، خلوص کسالت: کسل

نصیبت: نصب، منصوب درس: مدرس، مدرسه

هم آوا:

نسب (نسبت داشتن)، نصب (وصل کردن، قرار دادن)،

راضی (خرسند) رازی (سری)

نسیب (منسوب شده) نصیب (بهره، سهم)

گذار (گذشتن) گزار (به جا آوردن)

گزار: به معنی «ادا کردن» و «به جا آوردن» است و

با واژه‌هایی چون نماز، روزه، شکر، کار و خدمت

می‌آید. www.my-dars.ir

گذار: به معنی «قرار دادن، تعیین کردن و تأسیس

کردن» است. و با واژه‌هایی چون بنیان، قیمت

درس نهم

واژه‌های املائی:

ساکت، مشغول، جاذبه، قدم، تأثیر، عمق، هوگو،
 غرور، ترجمه، کاغذی، لرزش، حرارت، مطالعه،
 صحنه‌ها، بی‌نظیر، رزق، صدف، تفکر، اشعار، مراقبت،
 تشویق، قافیه‌ها، تحسین، نواغ، فقر، تسلیم، طاقت،
 حوض، حافظ، تلاوت، صحیح، علاوه، صنعتی، عشق،
 غزل، نوازشگر، مشتاقان، سعید، ابوذر، حافظه،
 علاقه‌مند، مشاعره، لبریز، روحیه، کاظمی

نکات املائی:

تشخیص درست «فراغ» و «فراق» از هم در هنگام املا و
 از راه مهارت شنیدن و معنی جمله میسر است.
 یکی از راه‌های تشخیص صورت درست املائی واژه‌ها
 علاوه بر توجه به معنا، دقت در رسم‌الخط رایج زبان
 است.

هم آوا و متشابه:

فراغ (آسودگی) فراق (جدایی)

نذیر (پند دهنده) نظیر (همانند)

فارغ (آسوده) فارق (فرق گذارنده و جدایی)

افکننده

هم خانواده‌ها:

غرور: مغرور ساکت: سکوت، مسکوت

مشغول: شغل، شاغل تأثیر: اثر، مؤثر

حرارت: حاره جاذبه: جذب، مجذوب

قدم: تقدیم، اقدام، مقدم

جاذبه: جذب، مجذوب عمق: عمیق، اعماق

ترجمه: مترجم، ترجمان لرزش: لرزیدن، می لرزد

مطالعه: طلوع، طلعت نظیر: نظاره، منظر

رزق: رازق، مرزوق تفکر: فکر، افکار

اشعار: شعار، شعر فقر: فقیر، فقرا

مراقبت: مراقب، رقیب نوابغ: نبوغ، نابغه

تشویق: شوق، مشوق
قافیه: مقفی، قوافی

تسلیم: سالم، مسلم
حافظ: حفظ، حفاظت

صحیح: صحت، تصحیح

عشق: عاشق، معشوق
غزل: تغزل، مغازله

سعید: مسعود، سعادت
علاقه: تعلق، علقه

مشاعر: شعر، شعور

درس دهم

واژه‌های املائی:

غیبت، دروغ، موظف، صلاح، توصیه، تعیین، مطهر،

صحن، عرق، خاطره، صابری، لایق، خصلت،

سگه‌ها، مصطفی، موقعی، سعی، مکث، غلتیدند،

منتظر، ایثار، میهن، مهد، تألیف، احیا، مراکز، فضل،

رونق، حوزه، معنوی، غلتیدند

www.my-dars.ir

نکات املائی:

در املائی کلمات مرکب، نوشتن هر دو شکل (جدا و پیوسته) درست است: خوشحال، خوش حال. در هنگام نوشتن صلاح و سلاح به تلفظ و معنی آنها دقت کنیم.

هم آوا:

حوزه (ناحیه) حوضه (آبریز، استخر)

تألیف (الفت بخشیدن و نوشتن) تعلیف (علف دادن)

تعلّم (آموختن)، تآلم (درد کشیدن)

متشابه: صّلاح (درست)، سیّاح (اسلحه)

هم خانواده‌ها:

متواضع: وّضع، تواضع — غیبت: غایب، غیاب

جمهور: جماهیر — صلاح: مصلحت، مصالح

موظّف: وظیفه، وظایف — توصیه: وصی، وصایا

تعیین: معین، تعین — صابر: صبر

مطهر: طاهر، طهارت خاطره: خواطر، مخاطره

خصلت: خصال، خصایل سعی: مساعی، مساعی

منتظر: انتظار، نظاره ضعف: ضعیف، ضعفا

درس یازدهم

واژه‌های املائی:

رستگاری، پیغمبر، سرای، وصی، حیدر، حکیم

ابوالقاسم، سلمان، متقابل، تکیه، سهم، ارزنده، مفاهیم،

استعداد، عرفان، آوازه، سهم عمده، مقتدا، خواجه، ملا

صدرا، ابوریحان، تکمیل، خالصانه

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

اعم، معماری، زمینه‌ها، اقلیت، سند، حقایق، جامع،
نحو احسن

نکات املائی:

املا در دوره‌ی متوسطه دو بخش است: متن املائی
تقریری و فعالیت‌هایی که هدف تقویت املا و
درست‌نویسی دارند.

هم‌خانواده‌ها دو ویژگی مشترک دارند: ۱- ریشه یا
حروف اصلی آن‌ها یکی است. ۲- از نظر معنی معنای
نزدیک به هم دارند.

هم‌آوا و متشابه:

جامه (لباس) جامع (جمع‌کننده و کامل)

آوازه (شهرت) آواز (صدای)

هم‌خانواده‌ها:

سلمان: مسلم، مسلمان مفاهیم: فهم، مفهوم

سهام: تسهیم متقابل: تقابل، مقابله

استعداد: مستعد مقتدا: اقتدا

تکمیل: کمال، مکمل خالصانه: خلوص، مخلص

اعم: عام، عمومیت سند: اسناد، مستند

نحو: انحا لطیف: لطایف، لطافت

شاهد: شهود، شهید تمدن: مدنیت، مدینه

قبول: تقبل، قابل، مقبول وصی: وصیت، وصایا

حکیم: حکمت، حکما

درس دوازدهم

واژه‌های املائی:

اسوه، عبدالله، عالمیان، صلی الله علیه و آله و سلم،

مهر، عطوفت، سجده، برمی‌خواست، رأفت، انس بن

مالک، محزون، متفکر، حریم قانون، تجاوز، اختیار،

حدّ لزوم، اوقات، سیما، خیره، تجمل، اذان، مواعظ،

اعتدال، نوح، ظلال، اعتماد، خواجه، تفاریق، زاینده،

نفس، صدر، لقمه، غلغله، قبور، فصاحت، کاریز،

لعنت، مأوا، معاوضه

نکات املائی:

در نوشتن کلمه‌هایی که یک صدا ولی نشانه‌های متفاوت دارند، باید دقت کرد.

باید به محل و تعداد نقطه‌های حروف در واژه‌ها توجه کرد.

هم‌خانواده‌ها:

عبد: تعبد، عباده سجده: ساجد، مسجد

محزون: حزن، حزین تجاوز: متجاوز

عطوفت: عاطفه رأفت: رئوف

متفکر: فکر، فکور اختیار: مختار

لزوم: لازم، الزام تجمل: جمال، متجمل

موعظ: موعظه، وعظ ظلال: ظل

اعتماد: معتمد تفاریق: فرق، فراق

نفس: انفاس، نفوس صدر: صدارت، مصدر

هم‌آوا:

ظلال (سایه)، زلال (لغزش)، ذلال (پستی)

بر می‌خواست (بلند می‌شد)، می‌خواست (اراده
می‌کرد، طلب می‌کرد)

متشابه:

اُنس (دوستی) اُنس (نام خادم پیامبر)
اذان (بانگ نماز) از آن (حرف اضافه+ضمیر)
مِهْر (خورشید، دوستی، ماه شمسی)
مُهر (علامت)
صدر (سینه، راس) سِدْر (گیاهی)

درس سیزدهم

واژه‌های املائی:

مسیر، مظلوم، متولد، سرافراز، ختم، علمیّه، اراک،
جذاب، اعتقاد، خصوصیات، علما، مرجعیت،
پهلوی، نهضت، اعتراض، حمایت، تظاهرات،
مأموران، تبعید، به طرز مرموزی، استعمارگر،
درخواست، ناگزیر، تبدیل، اعتصاب، جز، استقبال،
با شکوه، پایه‌گذاری، میراث، محبوب، غافل،

فروتن، واژگون، مخصوصاً، مرخصی، اعزام، عزا،
سوءِ ظن، ثواب، عذرخواهی، ارواح، دزفول، صف،
خداحافظی، موضوع، عصبانیت، تقصیر، کسر،
قطار، محوطه، کاتب، سوت، تحفه، تحمیل، تقلا،
تهمت، دایه، حک کردن
﴿هم آوا﴾

ثواب (اجر و پاداش) صواب (درست)
مأموران (اطاعت کنندگان امر) معموران
(آباد شده‌ها)

ظن (گمان)، زن (جنس مؤنث)

﴿نکات املائی﴾
مای درس

درس املا فرصتی است برای ارزش‌یابی مهارت
«گوش دادن» و «نوشتن»

www.my-dars.ir
تصحیح املا توسط دانش‌آموزان سبب عمق
بخشیدن به یادگیری می‌شود.

مسیر: سیر مظلوم: ظلم، ظالم

متولد: تولد، ولادت جذب: جذب، مجذوب

اعتقاد: عقیده، عقاید علما: عالم، علم

حمایت: حامی تظاهرات: ظاهر، مظاهر

مأموران: امر، امور مرموز: رمز، رموز

استعمار: عمران، عامر تبدیل: بدیل، بدل

میراث: ارث، ورثه محبوب: حب، حبیب

غافل: غفلت، مغفول مرخصی: ترخیص، رخصت

اعزام: عزم، عازم عذر: اعتذار، معذور

کسر: مکسر، انکسار کاتب: کتاب، مکتوب

موضوع: وضع، وضعیت

تقصیر: قصور، مقصر گروه آموزشی عصر

مرجعیت: رجوع، ارجاع www.my-dars.ir

اعتراض: معترض، تعرض

اعتصاب: عصب، عصبانیت

استقبال: قبول، مقبول

ارواح: روح صف: صفوف

درس پانزدهم

واژه‌های املائی:

لفظ، دلبستگی، عشق، ورزیدن، معاصر، حکیمان،

اخلاق، فهم معارف، مؤمنان، معبود، محبوب، لمس،

دل‌نوازی، وسعت، تغذیه، نظم، خوار، حداد عادل،

زمرّدین، زهره در شدن، طاغوت، ضریح، عیال

واژه‌های هم‌آوا:

خوار (پست و حقیر) خار (تیغ‌هی گل)

هم خانواده‌ها:

لفظ: تلفظ، الفاظ معاصر: عصر، اعصار

مؤمنان: ایمان گروه‌آموزش عصر
لمس: لامسه

ورزیدن: ورزش، می‌ورزند www.mydars.ir

فهم: تفهیم، مفهوم

معبود: عبد، عابد

وسعت: وسع، وسیع

تغذیه: غذا، مغذی حدّاد: حدید

عادل: عدل، عدالت

متشابه: زهره (جرأت، جزئی از بدن)، زهره (سیاره)

درس شانزدهم

واژه‌های املائی:

سؤالات، اصلاً، فهرست، طراحى، لرزه، موزیانه،

تروم، بلوط، مزه، متأسفانه، متشگرم، متوجّه، سراغ،

انبوه، مسخره، وضعیّت، موقعی، غرّش، التماس،

حلقه، رایحه، آب‌غوره، ان‌شاءالله، بخشب، بغض،

پزدادن

مای درس

نکات املائی:

در فارسی تنها تنوین نصب (ـِ) به کار می‌رود که به

صورت «ن» خوانده و به شکل «أ» نوشته می‌شود.

گاهی در تلفظ بعضی از واژه‌ها حرف «ج» به صورت

ش تلفظ می‌شود که باید به صورت اولیّه نوشته شود:

اجتماع، شنبه